

The Constructing of Meaning around the Marginal Neighborhood of Jafarabad in Kermanshah

Siavash Gholipour *

Associate Professor, Department of Sociology,
Faculty of Social Sciences, Razi University,
Kermanshah, Iran.

Nader Amiri 

Assistant Professor, Department of Sociology,
Faculty of Social Sciences, Razi University,
Kermanshah, Iran.

Ziba Ahmadi 

M. A Student in Sociology, Department of
Sociology, Faculty of Social Sciences, Razi
University, Kermanshah, Iran.

Abstract

Introduction

Human settlements, especially cities, have a complex semantic Hierarchy. Some neighborhoods and urban areas have positive meanings and some have negative meanings. Over time, the network of meanings have taken place in the social sphere of the city as a result of various events, processes and activities. Understanding its formation process requires experimental studies. These meanings guide the spatial behavior of people in the city. Women and children avoid being in black and male-only places. Young people enter places where they can experience more excitement. The rich are more inclined towards well-known places with facilities. The elderly tend to places with suitable urban furniture. These meanings work for citizens like signs of prohibited and permitted entry, slow movement, stop and travel. Jafarabad is the largest marginal neighborhood of Kermanshah. In the past five decades, various meanings such as hard work, violence, lawlessness, fearlessness, dynamism, etc. have been formed

* Corresponding Author: sgholipoor@razi.ac.ir

How to Cite: Gholipour, S., Amiri, N., Ahmadi, Z. (2024). The Constructing of Meaning around the Marginal Neighborhood of Jafarabad in Kermanshah, *Quarterly Journal of Social sciences*, 31(106), 195-230. DOI: 10.22054/qjss.2025.78460.2766

around it. In any case, an intertwined network of meanings has been built around this neighborhood, and to understand it, we need a historical investigation to identify the various historical moments in which these meanings were formed.

Research Question(s)

1. What is the formation process of Jafarabad neighborhood?
2. How is the construction of meaning in Jafarabad neighborhood?

Literature Review

The theoretical approach of this article is based on Rob Shields' theory of "social spatialization". According to this theory, people use different images when facing places. If it is a frequent and continuous image, it becomes a myth-space and has an effect on people's spatial practice. As soon as a space-myth is placed in the cultural world, it acquires an independent life to some extent, and it undergoes erosion when the reality that produced it is completely lost. Images and myth-spaces change over time and use other images that are also derived from reality. The sum of these myth-spaces eventually creates a myth-place that forms the core of meanings about that place.

Methodology

The research method is ethnography, and the data collection techniques are participatory observation and interview. Observation was done in two dimensions as physical environment and interactions. Twenty-Four people were interviewed through theoretical sampling. The data were analyzed in three steps as analysis stage (data management, coding, content analysis, qualitative description of codes, extraction of patterns, and classification of data); interpretation (findings of each section are connected to explain the desired concepts), and report writing.

Results

The poverty of the infrastructure and service facilities of the neighborhood along with the various activities of the residents in their daily life has caused a kind of 'social spatialization' around the neighborhood, which is supported by numerous images. 1. The Jafarabadis' encounter with the 'Rabbles' at the beginning of the formation of the neighborhood led to the creation of the myth-space of




'fearlessness' and 'Courage' in the neighborhood; 2. Immigrants who were from different clans reproduced the spatial organization of the clans and added the image of 'tribalism' to the meaning system of the neighborhood. 3. Frequent mass conflict gradually added the concept of 'violence' to it. 4. In the last four decades, a dynamic and self-sustaining economy in the field of waste, livestock sales and chicken sales started in the neighborhood, which made the morphology of neighborhood ugly. Therefore, over time, the meanings of the neighborhood 'self-founded and dynamic', 'landscape disturbance', 'hardworking' people, 'cheap and available services' and 'inadequate sanitation' were added to the network of previous meanings. It seems that with the reduction of mass conflicts in the last decade, the images of 'economic dynamism' and 'hard work' will replace the central sign of 'violence'.

Conclusion

Social life, together with the events resulting from it and the interaction of people with the environment, creates meaning around urban neighborhoods. The way of creating infrastructure, urban governance, urban development processes, economic activities, historical turning point, employment, interaction with the city, mass media and politics play a role in the formation of positive and negative meanings. The meaning is not fixed but changes according to the circumstances. Over the past five decades, the stereotype of "violence" has been replaced by concepts of "economic dynamism" and "hard work." The wise intervention of urban management can accelerate this process.

Key words: Image, Jafarabad, Kermanshah, Mass Conflicts, Social Spatialization, Violence.

برساخت معنا پیرامون محله حاشیه‌نشین جعفرآباد در کرمانشاه

- دانشیار گروه جامعه‌شناسی، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه رازی، کرمانشاه، ایران *  سیاوش قلی‌پور
- استادیار گروه جامعه‌شناسی، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه رازی، کرمانشاه، ایران  نادر امیری
- کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه رازی، کرمانشاه، ایران  زیبا احمدی

چکیده

این مقاله برساخت معنا در محله جعفرآباد در کلان‌شهر کرمانشاه را بررسی می‌کند. چارچوب مفهومی پژوهش مبتنی بر آراء راب شیلدز در باب «فضاسازی اجتماعی» است. روش پژوهش مردم‌نگاری و فنون گردآوری داده شامل مصاحبه و مشاهده است. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که فقر تأسیسات زیرساختی و خدماتی محله به همراه فعالیت‌های گوناگون اهالی در زندگی روزمره سبب نوعی «فضاسازی اجتماعی» پیرامون محله شده است که ایماژه‌های متعددی آن را پشتیبانی می‌کنند. ۱. مواجهه جعفرآبادی‌ها با «لات»‌ها در ابتدای شکل‌گیری محله سبب برساخت اسطوره-فضای «تهور» و «شجاعت» در محله شد؛ ۲. مهاجران که از ایل‌های گوناگون بودند سازمان‌دهی فضایی ایلی را بازتولید کردند و ایماژه «قبیله‌گرایی» به نظام معنایی محله افزودند. ۳. نزاع‌های دسته‌جمعی مکرر به مرور مفهوم «خسونت» را نیز بدان اضافه کرد. ۴. در چهار دهه اخیر، اقتصاد پویا و خودبندی در حوزه ضایعات، فروش دام و فروش مرغ در محله پا گرفتند که به لحاظ ریخت‌شناسی چهره محله را نازیبا کردند؛ بنابراین، به مرور معانی محله «خودبندی و پویا»، «آشفته‌گی منظر»، مردمان «سخت‌کوش» و «خدمات ارزان و در دسترس» و «بهداشت ناکافی» در برخی معابر تجاری نیز به شبکه معانی قبلی اضافه گردید. به نظر می‌رسد با کاهش نزاع‌های دسته‌جمعی در دهه اخیر به مرور ایماژه‌های «پویایی اقتصادی» و «سخت‌کوشی» جای دال مرکزی «خسونت» را خواهند گرفت.

کلیدواژه‌ها: ایماژه، جعفرآباد، خسونت، فضاسازی اجتماعی، کرمانشاه، نزاع‌های دسته‌جمعی.

مقدمه و طرح مسئله

سکونت‌گاه‌های انسانی به‌ویژه شهرها دارای پایگان‌بندی معنایی پیچیده‌ای هستند. برخی محله‌ها و مناطق شهری دارای معانی مثبت و برخی دارای معانی منفی هستند. شبکه معانی به‌مرورزمان در اثر حوادث، فرایندها و فعالیت‌های گوناگون در سپهر اجتماعی شهر جای گرفته‌اند و فهم روند شکل‌گیری آن نیازمند مطالعات تجربی است. این معانی راهبر رفتار فضایی افراد در درون شهر هستند. زنان و کودکان از حضور در نقاط سیاه و صرفاً مردانه پرهیز می‌کنند. جوانان وارد مکان‌های می‌شوند که بتوانند هیجان بیشتری را تجربه کنند. ثروتمندان بیشتر به سمت مکان‌های خوشنام و دارای امکانات گرایش دارند. سالمندان به سمت مکان‌های دارای مبلمان شهری مناسب گرایش دارند. این معانی به‌مانند تابلوهای ورودممنوع و مجاز، حرکت آهسته، توقف و سیاحت برای شهروندان عمل می‌کنند. افزون بر این، پایگان‌بندی معنایی، نقش بی‌بدیلی در فرایندهای توسعه شهری، جدایی‌گزینی، قطبی‌سازی، اعیانی‌سازی، بهسازی، بازسازی و نوسان قیمت املاک و مستغلات دارد. در سطحی پایین‌تر از شهر، محله‌های شهری نیز دربردارنده طیفی از معانی هستند که دارای پایگان‌بندی است. گاهی یک محله دارای شبکه معنایی منسجمی است و نشانه‌های در راستایی یک فضای مفهومی کنار هم چیده شده‌اند. گاهی نیز معانی همگن نیستند و از تمایزات درونی برخوردارند. سرانجام، عناصر شهری دیگری مانند راه، لبه، گره و نشانه (تقاطع، پل، مرکز خرید، ساختمان یا عوارض طبیعی) هرکدام دارای معانی خاصی است. شکل‌گیری هرکدام از این معانی دارای تاریخ اجتماعی خاصی است. از خلال مطالعه این معانی می‌توان به تاریخ اجتماعی شکل‌گیری مکان‌ها پی برد.

کلان‌شهر کرمانشاه در غرب ایران به‌مانند دیگر شهرهای ایران دارای پایگان‌بندی معنایی گونه‌گونی است. به‌مثابه متنی است که طیفی از معانی و نشانه‌های مثبت/منفی، زشت/زیبا و... ساختار آن را شکل می‌دهند. برخی محله‌های آن دارای تاریخ ۲۵۰ ساله است و تراکم و انباشتگی معانی در آن به‌وضوح دیده می‌شود (قلی‌پور و همکاران،

۱۴۰۰). برخی محلات دیگر با وجود تاریخی بودن و سابقه کشاورزی اکنون دارای معانی گردشگری و حاشیه‌بودگی هستند (قلی‌پور و همکاران، ۱۳۹۷). در برخی نقاط برخوردار و اعیانی معانی بزهکارانه شکل گرفته است (عزتی و همکاران، ۱۳۹۹) روی هم رفته در سپهر اجتماعی شهر معانی ترسناک، مقدس، حماسی، خشن، زشت، زیبا، لوکس، قدیمی، جدید، کثیف، دلپذیر، آزاردهنده و امثالهم وجود دارد. از حیث شدت و تراکم معنا، برخی مکان‌ها کمرنگ و برخی دارای برجستگی هستند. یکی از محلاتی که تراکم و برجستگی معنایی زیادی پیرامون آن قرار دارد محله حاشیه‌نشین «جعفرآباد» است. این معانی از بدو شکل‌گیری محله تاکنون تغییر یافته‌اند و به‌مرور وجه منفی آن کمتر شده است.

جعفرآباد بزرگ‌ترین محله حاشیه‌نشین کرمانشاه است که به همراه شاطرآباد، دولت‌آباد و کولی‌آباد جزو محله‌های حاشیه‌نشین است که پیش از انقلاب اسلامی ۵۷ در جنوب شرقی ظهور پیدا کرد (نک: گلنام، ۱۳۶۱؛ خاتم، ۱۳۸۱). در پنج دهه گذشته همواره معانی گوناگونی مانند سخت‌کوشی، خشونت، قانون‌گریزی، بی‌باکی، پویایی و ... پیرامون آن شکل گرفته است. این معانی برخاسته از مناسبات واقعی زندگی در محله است که از طریق شهروندان و روستاهای اطراف بدان نسبت داده شده است. برخی از این معانی اغراق‌آمیز، برخی عقاید قالبی و برخی نیز بیانگر واقعیت‌های زندگی است. در هر حال شبکه درهم‌تنیده معانی پیرامون این محله ساخته شده است که برای فهم آن نیازمند بررسی تاریخی هستیم تا دقایق تاریخی گوناگونی که این معانی شکل گرفته‌اند را مشخص سازیم. بر ساخت معنا امری انتزاعی نیست بلکه برخاسته از مناسبات انضمامی است و صرفاً از طریق مطالعه دقیق این لحظه‌های تاریخی فهم‌پذیر می‌گردد. تاکنون مطالعه مدونی در این زمینه انجام نگرفته است. مقاله حاضر تلاش می‌کند در این راستا به پرسش زیر پاسخ دهد.

۱. روند شکل‌گیری محله جعفرآباد چگونه است؟
۲. فرآیند بر ساخت معنا در محله جعفرآباد چگونه است؟

پیشینه پژوهش

نقدی و زارع (۱۳۹۱)، در مقاله‌ای به بررسی «حاشیه‌نشینی به مثابه آپاندیس شهری (مورد مطالعه: جعفرآباد-کرمانشاه)» پرداختند. رویکرد نظری اندیشمندان مکتب شیکاگو و روش آن پیمایشی است. حجم نمونه ۳۷۴ نفر است که به شیوه نمونه‌گیری خوشه‌ای انجام شده است. بیش از ۷۰ درصد سکنه در خانه‌های بیش از ۵ نفر زندگی می‌کنند. حدود ۹۷ درصد مالیت خانه‌ها صورت قولنامه‌ای است. درآمد و هزینه‌ها پایین است. محله کمبود خدمات شهری دارد. بیش از ۷۰ درصد خانوارها از خدمات آب، برق و گاز برخوردارند، میزان رضایت از زندگی در سطح متوسط و بیشترین رضایت از سازمان‌ها و نهادها در درجه اول آموزش و پرورش و سپس بهداشت بوده است. نرخ آسیب‌های اجتماعی بالاست. مهاجرت‌ها اغلب در قالب شبکه خویشاوندی صورت گرفته و عمدتاً از قوم لک هستند. علل مهاجرت اقتصادی است. جمشیدی و همکاران (۱۳۹۲)، در مقاله‌ای تحت عنوان «اسکان غیررسمی، اولویت‌بندی چالش‌های محله جعفرآباد شهر کرمانشاه»، به اولویت‌بندی مشکلات محله پرداختند. روش پژوهش پیمایش و حجم نمونه ۱۲۸ خانوار بودند. از نظر آنان مهم‌ترین چالش محله اقتصادی است، دومین چالش اجتماعی است که در اشکال گوناگون ناهنجاری اجتماعی بروز می‌کند و دلیل آن بافت چند طایفه‌ای آن است. چالش سوم کمبود امکانات آموزشی است که بی‌سوادی را بازتولید است. کمبود زیرساخت بهداشتی و رفاهی نیز از دیگر مشکلات محله است.

خاتم (۱۳۹۱) در طرح پژوهشی «فقر شهری و سیاست جناحی در ایران: نمونه جعفرآباد کرمانشاه»، سیر سیاست‌گذاری‌های اعمال‌شده بر حاشیه‌نشینی را بررسی کرده است. پس از آن به روند شکل‌گیری جعفرآباد می‌پردازد. وی الگوی شکل‌گیری محله را قومی و مبتنی بر پیوندهای خویشاوندی می‌داند. بر اساس مشاهدات سال ۸۰، حدود دوسوم شاغلان جعفرآباد کارگر ساده که نیمی از آن‌ها در امور ساختمانی و بقیه کارگر خدماتی بودند یا در جمع‌آوری و طبقه‌بندی ضایعات فعالیت می‌کردند.

یک سوم باقیمانده با یادگیری مهارت‌های فنی صنعتی عموماً در امور ساختمانی، خرید اتومبیل و رانندگی، دایر کردن یک واحد تجاری کوچک یا خدمت در نیروهای انتظامی مشغول به کار شدند. ایزدی (۱۴۰۲) در مقاله «فروستان اندوهگین و پناهگاه مواد: کاوشی مردمنگارانه در یک اجتماع حاشیه‌نشین در کرمانشاه» مطالعه عمیق و طولانی مدتی درباره زندگی روزمره محله جعفرآباد انجام داده است. از نظر وی مواد مخدر و ضایعات منابع زنده ماندن و شالوده اجتماع محلی هستند. وی با توصیف فربه موادفروشان و معتادان به خوبی وضعیت اسفناک آنان را بیان می‌کند. در خلال این روایت مردمنگارانه اقتصاد خرد محله نیز توصیف شده است. پژوهش‌های فوق هر کدام بخشی از زندگی محله جعفرآباد را به خوبی آشکار کرده‌اند. مقاله حاضر نیز به وجهی دیگر از زندگی این اجتماع محلی که همان برساخت معنای مکان است خواهد پرداخت.

چارچوب نظری

آراء گوناگونی درباره شکل‌گیری معنای مکان وجود دارد. هانری لوفور (۱۹۹۱) در کتاب «تولید فضا» و «نوشته‌های درباره شهر» بُعد دوم فضا یا همان فضای بازنمایی را به این امر اختصاص داد؛ اما این بُعد را در نسبت با بازنمایی فضا و کردار فضایی تحلیل کرد. میشل دوسرتو (۲۰۱۲) نیز به نام گذاری و پایگان‌بندی معنا در سطح شهر توجه دارد؛ اما راب شیلدز از طریق ساخت معنای مکان به تاریخ اجتماعی آن نیز می‌پردازد (نک: ۱۹۹۱، ۱۹۸۸، ۱۹۸۹، ۱۹۹۷). به همین دلیل نظریه وی درباره «فضاسازی اجتماعی» مبنای نظری این مقاله است. وی در کتاب «مکان‌هایی در حاشیه: جغرافیای جایگزین مدرنیته» (۱۹۹۱) روندهای تاریخی ساخت معنا در ساحل برایتون، آبشار نیاگارا، شمال کانادا و شمال و جنوب لندن را بررسی کرد. وی در این روند نقش حوادث، پدیده‌ها، کتاب، رمان، تصاویر، کارت‌پستال، گزارش‌های علمی، سفرنامه‌نویسی و گفت‌وگوهای مردم در زندگی روزمره را در شکل‌گیری معنا مدنظر قرار داد.

راب شیلدز از اصطلاح «فضاسازی اجتماعی» استفاده می‌کند تا بتواند به برساخت اجتماعی مستمر فضایی^۱ در سطح تصورات اجتماعی اشاره کند (Shields, 1991: 31). مردم در مواجهه با مکان‌ها، ایماژهای گوناگونی را به کار می‌برند. این ایماژها کاملاً پای در واقعیت دارند و برخاسته از مناسبات واقعی هستند. چنانچه ایماژهای پربسامد و مستمر باشد به اسطوره-فضا تبدیل می‌شود و بر شیوه اعمال افراد تأثیر دارد. به محض قرارگیری یک اسطوره-فضا در جهان فرهنگی تا حدودی زندگی مستقلاً پیدا می‌کند و زمانی دچار فرسایش می‌شود که واقعیت تولیدکننده آن کاملاً از بین برود. شکل‌گیری ایماژ و به دنبال آن اسطوره-فضا نقطه شروع فضاسازی است. مکان‌های حاشیه‌ای بنیان جغرافیایی برای شکل‌گیری ایماژها را فراهم می‌سازند. هر مکان حاشیه‌ای به دو دلیل بدل به حاشیه می‌شود: ۱- دوری و انزوای جغرافیایی ۲- ناتوانی در اعمال قدرت بر تحولات محلی. البته این قاعده در مورد محله‌های حاشیه‌نشین شهری در ایران صدق نمی‌کند. چون حاشیه‌گاهی در درون شهر است و انزوای جغرافیایی ندارد. در روند «فضاسازی اجتماعی» مکان حاشیه‌ای از طریق ساده‌سازی، کلیشه‌سازی و برچسب‌زنی وارد شبکه معنایی می‌شود. درواقع مکان حاشیه‌ای از «طریق طرد و شمول، تمایز و جدایی، اهمیت تاریخ اسطوره، فضاسازی و تصویرسازی به شکل معناداری برساخته می‌شود» (Shields, 1991: 31).

هر مکانی از طریق کنش متقابل بین انسان‌ها و مکان‌های دیگر، تاریخ و هویت خود را به دست می‌آورد و معنی‌نمادین پیدا می‌کند. اسطوره-فضاها در درون داستان‌های گروهی و حکایات به همراه افسانه‌ها برساخت می‌شوند و تمایز خودی/دیگری در جای‌گیری این روایات نقش دارند. معانی گوناگونی که پیرامون مکان ساخته می‌شوند، صرف‌نظر از ویژگی‌هایی که در واقعیت دارند، ممکن است

۱. فضا شامل مکان، محل و منطقه‌ای است که با فعالیت‌های اجتماعی مشخص و تصویر فرهنگی معین شناخته شده است؛ بنابراین امر فضایی محدوده فعالیت شدید فرهنگی است.

درست یا غلط باشند، زیرا آن‌ها ممکن است برخاسته از واقعیات یا کلیشه‌سازی و تصورات قالبی باشند که ساکنان این فضاها بدان نسبت می‌دهند. ایماژها و اسطوره-فضاها به مرور زمان تنوع پیدا می‌کنند و ایماژهای دیگری را به کمک می‌گیرند که آن‌ها نیز برخاسته از واقعیت هستند. مجموع این اسطوره-فضاها به مرور اسطوره-مکانی را به وجود می‌آورند که هسته معانی درباره آن مکان را شکل می‌دهد.

فضاسازی صرفاً امری زبانی نیست بلکه تلفیقی از «کاربرد استعاره‌های گفتمانی» و «اسطوره‌های تجربی» است. فضاسازی اجتماعی در اشکال عینی به مثابه یک عمل مبتنی بر جهان اجتماعی بازتولید می‌شود؛ در واقع، مجموعه‌ای نسبتاً نیرومند از مفاهیم مرکزی یا استعاره‌های بنیادین است که در گفتمان‌های روزمره ظاهر می‌شود. فضاسازی به مثابه گفتمانی برخاسته از جهان اجتماعی بی‌ثبات است زیرا همواره، به وسیله واقعیت به چالش کشیده می‌شود و این امر باعث می‌شود که فضاسازی در یک چرخه تولید و بازتولید قرار بگیرد. «فضاسازی در گفت‌وگوهای آشکار می‌شود که تصاویر مکان‌ها و مناطق (یعنی گفتمان‌هایی درباره فضا) بر اساس آن مورد اشاره و تفسیر قرار می‌گیرند. ... خلاصه‌سازی خردمندان‌ای که با استعاره‌های فضایی و تصاویر مکانی می‌توانند منتقل‌کننده مجموعه‌ی پیچیده‌ای از پیوستگی‌ها باشند، بدون آن‌که گوینده عمیقاً به آن‌ها بیندیشد یا دقیقاً مشخص کند که منظورش کدام پیوستگی‌ها یا تصاویر است» (Shields, 1991: 46).

اسطوره-مکان، از طریق ساده‌سازی (یعنی تقلیل به یک ویژگی)، کلیشه‌سازی (تقویت کردن یک یا چند خصیصه) و برجسب‌زنی به مکان‌ها به وجود می‌آیند. اسطوره مکان تبدیل به وزنه تعادلی می‌شود که هسته آن هویت محله است. ساخت هویت فرهنگی یک منطقه جغرافیایی نوعی نظام بازنمایی است اما همچنان پای در واقعیت دارد.

زمانی که خصلت‌های یک مکان به صورت ریشه‌ای تغییر می‌کند انتظار می‌رود در اسطوره-مکان نیز تغییر ایجاد شود؛ اما این مهم در همان زمان به وقوع نمی‌پیوندد و

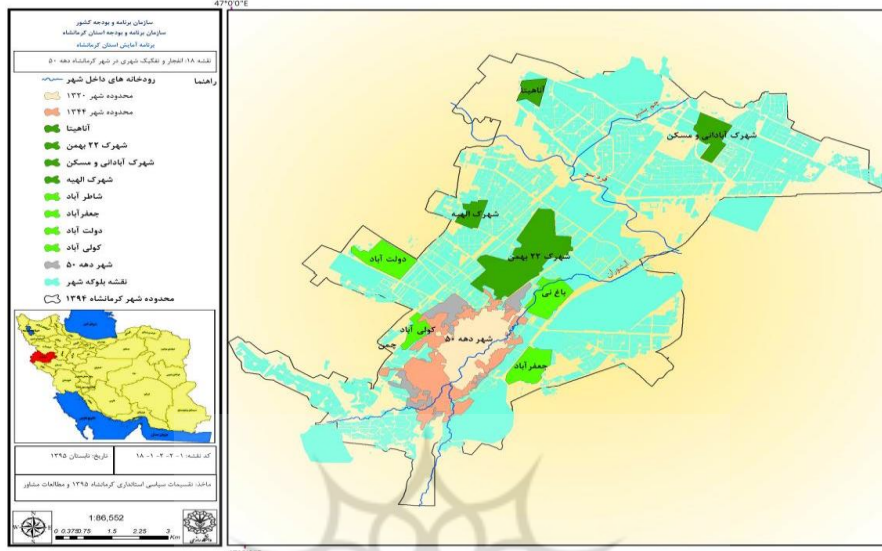
ای بسا تا مدت‌زمان طولانی به حیات خود ادامه دهد. زمان تغییر اسطوره-مکان به عناصر گوناگونی ارتباط دارد. نخست، به شدت و جایگاه ایماژه‌ها و اسطوره-فضاها در فضای اجتماعی و ذهنی آن سرزمین بستگی دارد. دوم، به میزان قدرت کنشگران مکان در بازنمایی وضعیت خویش از طریق رسانه‌های گوناگون بستگی دارد.

اسطوره‌ها به‌عنوان استعاره‌های هدایت‌گر، از طریق تصویب شدن یعنی تبدیل شدن به الگوهای رفتار مردم در زندگی روزمره نقش ایفاء می‌کنند و تأثیر تجربی شگرفی دارند. آن‌ها بخشی از ساخت نمادین سپهر فضایی شهر هستند. تصاویر مرکزی در روایت‌های گوناگون هستند که به‌منظور توصیف تجربه مکان‌ها به کار می‌روند. اینکه چگونه یک اسطوره-فضا در طول زمان می‌ماند، در روایت‌هایی محلی ضبط و بازسازی می‌شود و وارد هویت منطقه‌ای می‌شود، نیازمند مطالعات تجربی و ریشه‌یابی تاریخی است. اسطوره‌ها تخیلاتی ساده نیستند، بلکه به شکل پیچیده‌ای با شرایط ملموس در ارتباط هستند، اهمیت اسطوره‌فضا را تصاویر و حکایت‌ها برجسته می‌سازند.

روش^۱

روش پژوهش مردم‌نگاری و جامعه هدف محله جعفرآباد در کلان‌شهر کرمانشاه است. جعفرآباد با مساحتی معادل ۱۶۴ هکتار وسیع‌ترین و شناخته‌شده‌ترین محله حاشیه‌نشین در کرمانشاه است (خاتم ۱۳۹۱؛ جمشیدی و همکاران، ۱۳۹۲؛ نقدی ۱۳۹۱) که در جنوب شرقی کرمانشاه و در فراز تپه‌ماهورهای فتحعلی‌خان قرار دارد (نک: نقشه شماره ۱). «جعفرآباد از شمال به دیوار گورستان باغ فردوس، از غرب به امتداد کمربندی شرقی، از شرق به اراضی دولتی، از جنوب شرق به ترانشه طبیعی موجود در محیط و از جنوب غربی به اراضی پادگان صالح‌آباد محدود می‌شود» (قلی‌پور، ۱۳۹۱: ۷۸).

نقشه ۱. موقعیت مکانی جعفرآباد در کرمانشاه در دهه ۵۰ خورشیدی



منبع: آمایش سرزمین ۱۳۹۶

فنون گردآوری داده مشاهده و مصاحبه هستند. مشاهده: یکی از نویسندگان جزو ساکنان این محله بوده و به مدت یک سال به طور سیستماتیک مشاهدات خود را ثبت کرده است.

جدول ۱: ابعاد مشاهده

مدت زمان	ویژگی	حوزه مشاهده
هر ماه ۱۰ روز در چهار نوبت صبح، ظهر، عصر و ...	تأسیسات ضایعات، مغازه‌های مرغ‌فروشی، محل فروش دام، معابر، کوچه‌ها، خانه‌ها، فضاهای عمومی	کالبد
هر ماه ۱۰ روز در چهار نوبت صبح، ظهر، عصر و ...	رفتارهای عادی در زندگی روزمره، رفتارهای مبتنی بر منازعه، رفتارهای مبتنی بر کوچه‌نشینی	تعاملات اجتماعی

بر طبق داده‌های جدول ۱ کالبد محله مانند تأسیسات ضایعات، معابر، خانه‌های مسکونی، زیرساخت‌ها و فضاهای عمومی به همراه رفتارهای عادی، منازعه و کوچ‌نشینی مشاهده شدند. دیگر فن گردآوری داده مصاحبه است. مصاحبه‌شوندگان افرادی بودند که بیشترین

اطلاعات را در زمینه مورد مصاحبه داشتند و از طریق نمونه‌گیری نظری انتخاب شدند. پس از مصاحبه با ۲۴ نفر اشباع نظری حاصل شد.

جدول ۲: ویژگی‌های مصاحبه‌شوندگان (اطلاعرسان‌ها)

ردیف	نام	مدت زمان سکونت (برحسب سال)	سن	شغل	جنسیت	نام	مدت زمان سکونت (برحسب سال)	سن	شغل
۱	براتعلی	۴۰	۷۵	بیکار	مرد	کریم	۱۳	۶۰	راننده
۲	شاه مراد	۴۵	۷۵	بیکار	مرد	علی	۱۴	۴۰	مرغ‌فروش
۳	کرم	۴۸	۷۵	مغازه دار	مرد	مرضیه	۱۵	۴۸	خانه دار
۴	قربان علی	۳۹	۸۰	بیکار	مرد	نصرت	۱۶	۵۶	خانه دار
۵	موسی	۳۵	۷۸	بیکار	مرد	جلال	۱۷	۳۴	ضایعات
۶	معصوم علی	۳۶	۷۵	بیکار	مرد	اصغر	۱۸	۳۸	ضایعات
۷	خانم ناز	۴۹	۷۰	بیکار	زن	مجتبی	۱۹	۳۵	ضایعات
۸	حقمیراد	۴۰	۷۰	راننده	مرد	مجید	۲۰	۴۰	مرغ‌فروش
۹	علی	۲۰	۴۷	کارگر	مرد	بهمن	۲۱	۵۵	مرغ‌فروش
۱۰	باقر	۳۰	۵۰	کارگر	مرد	رضا	۲۲	۵۰	مرغ‌فروش
۱۱	هوشنگ	۲۵	۵۰	راننده	مرد	صادق	۲۳		مرغ‌فروش
۱۲	میرحسین	۴۲	۷۰	مغازه دار	مرد	فرهاد	۲۴	۳۰	آزاد

از مصاحبه‌شوندگان اجازه گرفته شد که صدایشان ضبط گردد. پس از آن مصاحبه‌ها بر روی کاغذ پیاده شدند.

شیوه تجزیه و تحلیل داده‌ها: در اتنوگرافی، شیوه تحلیل مرحله خاصی در پژوهش نیست و از بیان مسئله تا گزارش نویسی اتفاق می‌افتد (Faterman 2010; Hamersley and Etinkson 2007; Taylor and Bugdan 1977). تحلیل این پژوهش به پیروی از مراحل سه‌گانه (تحلیل، تفسیر و گزارش نویسی) (Brewer, 2005: 109) انجام گرفته است: مرحله اول: این مرحله خود دارای ۶ بخش است. ۱. مدیریت داده‌ها، ۲. کدگذاری، ۳. تحلیل

محتوا، ۴. توصیف کیفی، ۵- استخراج الگوها، ۶. طبقه‌بندی: داده‌ها در دو بخش الف. تکوین جعفرآباد در بستر تاریخ معاصر و ب. بر ساخت معانی گوناگون محله جعفرآباد در سپهر اجتماعی شهر طبقه‌بندی شد. ب) مرحله دوم (تفسیر داده‌ها): تمام یافته‌های هر بخش در ارتباط باهم قرار گرفتند تا فرآیند ساخت معنا روشن گردد. ج) مرحله سوم گزارش نوشته شد.

یافته‌ها

بخش اول: تکوین جعفرآباد در بستر تاریخ معاصر

جعفرآباد پیش از انقلاب اسلامی ۵۷: این محله در اثر مهاجرت روستاییان شرق استان به شهر در اواخر دهه ۴۰ بر روی زمین‌های کشاورزی به شیوه خودانگیخته و دور از نظارت مدیریت شهری ساخته شد. این زمین‌ها «جزو اراضی کشاورزی خانواده دولتشاهی، از مالکین بزرگ منطقه کرمانشاه بود که توسط جعفر دولتشاهی^۱ یکی از وارثان این خانواده تفکیک و با تنظیم قولنامه در بنگاه‌های محلی به مهاجرین تازه‌وارد فروخته شد. عمده خریداران زمین‌های جعفرآباد اهالی روستاهای جنوب شرقی شهرستان کرمانشاه یعنی محل اسکان ایل‌های لک نظیر کاکاوند، جلالوند و عثمانوند بودند» (خاتم، ۱۳۹۱). مهاجران خرده‌مالکان، خوش‌نشینان روستایی و عشایر لک‌زبانی بودند که به دلیل درآمد اندک و کشاورزی کم‌بهره از یک طرف و جاذبه‌های زندگی شهری از طرف دیگر تصمیم به مهاجرت گرفتند (قلی‌پور، ۱۳۹۱).

«به دلیل فقر و بیکاری روستا را ترک کردیم و چون اهل یکی از روستاهای طرف جلالوند بودیم از محور فردوسی وارد شهر شدیم و ما اون موقع پول نداشتیم به خاطر همین مجبور بودیم جایی بریم که قیمت زمین ارزان باشه و چون بیشتر فامیل و اقوام به جعفرآباد رفته بودند ما هم جعفرآباد را انتخاب کردیم» (مرد، ۷۵ ساله، ساکنان اولیه

۱. نام جعفرآباد برگرفته مالک زمین است. در اواخر دهه چهل دو نفر بنام‌های حشمت‌الله سعیدی و فیض‌الله عینی به عنوان واسط زمین‌ها را از جعفر دولتشاهی به صورت یک‌جا خریداری کردند و پس از آن به مهاجرین فروختند.

جعفرآباد).

یکی دیگر از ساکنان در این باره می‌گوید:

«در دوران قبل از انقلاب در روستای خشک‌رود زندگی می‌کردیم و در اون زمان یک گاو و چند گوسفند داشتیم و چون زمین کشاورزی زیادی نداشتم مجبور به خرید گندم و جو برای گاو و گوسفندانم بودم یادمه اون زمان یک من گندم سه قران و یک من جو دو قران بود بنابراین دیگر توان خرید این محصولات کشاورزی در روستا را نداشتم و تصمیم گرفتم روستا را ترک کنم، اون زمان گاو را به قیمت ۷۵۰ تومان و گوسفندانم را دونه‌ای ۷ تومان فروختم و به امید زندگی بهتر به شهر کرمانشاه مهاجرت کردم و چون قدرت خرید زمین در مرکز شهر را نداشتم به جعفرآباد رفتم. (براتعلی، ۷۰ ساله ساکن جعفرآباد). مهاجرت با خود انواعی از خطرات و استرس‌ها را به همراه دارد اما وجود شبکه‌های اجتماعی می‌توانست به کاستن این ناملایمات کمک کند، مهاجران روستایی ترجیح می‌دادند نزدیک خویشاوندان سکونت کنند؛ بنابراین وابستگی‌های قومی و خویشاوندی در شکل‌گیری هسته اولیه جعفرآباد نقش داشت.

«ما شش برادر بودیم که در روستای هلیلان زندگی می‌کردیم. نصف زمین‌های کشاورزی‌مان به عبدالحسین خان پور ابوقداره تعلق گرفت و نصف دیگر سهم ما شش برادر، بنابراین سهم هر کدام از ما بسیار کم شده بود. یک سال کشاورزی می‌کردیم و یک سال به زمین‌ها استراحت می‌دادم تا پر ثمر شوند بنابراین برای ما به صرفه نبودن و در سال ۱۳۵۳ تصمیم گرفتیم با برادرانم به شهر کرمانشاه مهاجرت کنیم. بیشتر همسایه‌ها و فامیل به جعفرآباد رفته بودند ما هم به جعفرآباد رفتیم (شاه مراد، ۷۵ ساله ساکن جعفرآباد). قیمت پایین زمین‌های وقفی جعفرآباد عامل عمده مهاجرت به این محله محسوب می‌شود، بنابراین جعفرآباد به محلی جذاب برای فقرای روستایی بدل شد.

«ما قبل از انقلاب اومدیم جعفرآباد. اون زمان زمین را از آقای نوری متری هفت قران خریداری کردیم و این در حد توان مالی ما بود» (کرم، ۸۰ ساله ساکن جعفرآباد).

ساخت‌وساز خانه‌های مسکونی به صورت خودانگیخته؛ غیراصولی و بدون طرح

مهندسی و دریافت جواز ساختمان صورت گرفت. «در ابتدا قطعات زمین ۲۰۰ متری بودند اما بعدها توسط اهالی به قطعات ۱۰۰ و سپس به قطعات ۵۰ متری باز تقسیم شدند» (قلی‌پور و همکاران، ۱۳۹۳: ۷۸). بیشتر ساخت‌وسازها در زمان کوتاهی و گاهی یک‌شبه انجام می‌شده است. یکی از اهالی در این باره می‌گوید:

«سال ۵۶ یک قطعه زمین ۶۰ متری در این محله خریدم و به کمک خواهر و برادرانم خیلی سریع و به مدت یک شبانه روز خانه را ساختیم، به یاد دارم قیمت زمین، مصالح و کل هزینه ساخت‌وساز ۱۵ هزار تومان شد» (قربانعلی، ۸۰ ساله ساکن جعفرآباد).

«وقتی می‌خواستیم خونمون رو بسازیم به کمک اقوام و آشنایان به صورت دسته‌جمعی از عصر شروع می‌کردیم و تا صبح خونه رو می‌ساختیم و داخلش می‌نشستیم و زمانی که مأموران شهرداری می‌رسیدند اتاقتی را کامل ساخته بودیم و به جای پنجره پرده‌ای به آن آویزان می‌کردیم و زن و بچه‌هایمان هم تا صبح دوشادوش ما کار می‌کردند چون پولی نداشتیم که به کارگر بدهیم» (موسی، ۷۸ ساله، ساکن جعفرآباد).

در ابتدا محله هیچ زیرساختی نداشت. اهالی برای مصارف خانگی و ساخت‌وساز، آب را از چشمه‌ای تهیه می‌کردند که در پشت جعفرآباد قرار داشت.

«اوایل لوله کشی آب نداشتیم و یک منبع آب در آخر خیابان حافظ بود که چند سرباز در آنجا حضور داشتند و آب را بین مردم تقسیم می‌کردند و چون آب کم می‌آمد می‌رفتیم چشمه آب تهیه می‌کردیم» (معصوم علی، ۷۵ ساله، ساکن جعفرآباد).

در اغلب موارد با پای پیاده یا با حیوانات بارکش که اصلی‌ترین وسیله حمل‌ونقل در آن زمان محسوب می‌شد سرچشمه می‌رفتند، آنان مجبور بودند در طول روز چندین بار این مسافت را طی کنند و زنان برای پر کردن ظروف خود در صف آب منتظر نوبت می‌ماندند. تهیه کردن آب یکی از کارهای روزمره زنان و کودکان محسوب می‌شد. یکی از بانوان ساکن جعفرآباد در این باره می‌گوید:

«اوایل تهیه آب بر عهده ما زنان بود. فصل زمستان که می‌شد زحمتان چندین برابر می‌شد و زجرآور بود» (خانم ناز، ۷۰ ساله، ساکن جعفرآباد).

این کار برای مردم محله بسیار سخت و طاقت‌فرسا بود، بنابراین به فکر چاره افتادند، آنان سعی کردند برای رفع نیازهای شخصی خود در حیاط منزل چاه آب حفر کنند و برای ذخیره آب تانکرهای را تعبیه کردند. برای گرم کردن فضا و پخت‌وپز نیز از چراغ‌های خوراک‌پز نفتی استفاده می‌کردند. شب‌ها روشنایی منزل را از طریق چراغ‌های بادی، لامپا، گوردسوز، توری و چراغ انگلیسی تأمین می‌کردند. بیشتر خانه‌ها حمام نداشتند و از حمام‌های عمومی داخل شهر استفاده می‌کردند تا اینکه یک حمام عمومی در جعفرآباد (محله شریعتی) ساخته شد و مورد استفاده اهالی قرار گرفت.

جعفرآباد پس از انقلاب اسلامی ۵۷: پس از انقلاب درخواست مردم برای برخورداری از امکانات شروع شد، مردم ساکن در این محله، وضعیت خود را با محله‌های دیگر شهر مقایسه می‌کردند که از زیرساخت‌ها و خدمات مناسب برخوردار بودند، «بنابراین آنان به مرحله‌ی جدیدی از حیاط اجتماعی خود گام نهادند که می‌توان آن را دوره گذار به شهرنشینی و ایجاد توقع دستیابی به امکانات و ضروریات مادی زندگی شهری دانست» (خاتم، ۱۳۹۱). این موضوع به‌مرور و با کندی در دهه‌های بعد عملیاتی شد.

دهه ۶۰، ایجاد برخی زیرساخت‌ها: نبود آب آشامیدنی سالم و بهداشتی مشکلات زیادی را به همراه داشت. به‌مرور مطالبات عمومی برای دستیابی به آب شکل گرفت. روال چانه‌زنی، نامه نوشتن، صف کشیدن در مقابل ادارات و اتاق رؤسا را شروع شد تا اینکه سال ۱۳۵۸ شبکه آب در برخی معابر جعفرآباد احداث شد.

«سال ۵۴ به جعفرآباد آمدیم تا سال ۵۸ امکاناتی در محله وجود نداشت. سال ۱۳۵۸ در برخی خیابان‌های جعفرآباد مانند ملت و شریعتی لوله‌کشی آب انجام گرفت. در برخی معابر ما خودجوش اقدام کردیم و لوله‌کشی آب منازل را با هزینه شخصی انجام دادیم» (حقمیراد، ۷۰ ساله).

سرانجام سال ۱۳۶۰ کل محله از لوله‌کشی آب در منازل به‌رمند شدند، در ابتدا اهالی هزینه‌ای بابت آب پرداخت نمی‌کردند تا اینکه سال ۱۳۶۱ شهرداری اهالی را موظف به

دریافت کنتور و پرداخت قبض کرد.

اقدام مؤثر دیگری که دهه ۶۰ رخ داد برق‌کشی محله بود. سال‌های قبل از انقلاب مردم شبانه‌نگام در معابر با چراغ‌قوه و فانوس حرکت می‌کردند. بانوی کهن‌سالی در این باره می‌گوید:

«زمانی که برق نبود مشکلات زیادی داشتیم از هر اتاقی که به اتاق دیگری می‌رفتیم باید چراغی به دست می‌گرفتیم و از آن بدتر این که شب‌ها داخل حیاط خیلی تاریک می‌شد و بچه‌ها جرأت نمی‌کردند داخل حیاط بروند. یخچال نداشتیم و در حسرت یک لیوان آب خنک بودیم».

سال ۱۳۵۹ سیم‌کشی برق جعفرآباد در دست اجرا بود (خاتم، ۱۳۹۱) و اکثر خانه‌ها مجهز به سیستم برق‌رسانی شدند؛ خانه‌های که سیم‌کشی برق در آن انجام می‌گرفت کنتور برق هم دریافت می‌کردند و آنان موظف به پرداخت قبض می‌شدند. با آمدن برق به محله دریچه‌ای جدید از دنیا روبه‌روی چشم‌های اهالی باز شد و روشنایی به معنای واقعی به خانه‌های آنان آمد. مردم محله کم‌کم وسایل برقی خریداری کردند و از این بابت هیجان زیادی داشتند.

سال ۱۳۶۱ یک مدرسه ابتدایی در خیابان کاشانی با وسعت ۲۵۰۰ مترمربع ساخته شد که دارای ۱۲ کلاس و حیاطی ۱۰۰۰ متری بود. بازگشایی اولین مدرسه در محله، خوشحال‌کننده و امیدبخش بود. در این دهه دو نانوائی و یک حمام عمومی در محله ساخته شد.

در اواخر دهه شصت رشد و توسعه کالبدی محله و خانه‌سازی در تمامی جهات انجام گرفت و نام‌گذاری کوچه‌ها و خیابان‌ها و پلاک‌گذاری خانه‌ها انجام گرفت. شهرداری همچنان نظارتی بر ساخت‌وسازها نداشت. به‌مرور شبکه‌ای نامنظم از خانه‌های ریزدانه با سقف‌های چوبی، استفاده از نماهای غیراصولی و غیراستاندارد، با کوچه‌های پرشیب و خاکی و خیابان‌های باریک و نامنظم ایجاد شد بیکاری سبب شد برخی افراد مغازه‌های کوچکی مانند خواروبارفروشی، نفت‌فروشی، میوه‌فروشی و مغازه‌های فروش محصولات

کشاورزی ایجاد کنند.

«سال ۱۳۵۵ که به جعفرآباد آمدیم مغازه‌ای در سطح محله نبود و برای خرید مایحتاج روزانه به محله رشیدی و وزیری می‌رفتیم. در دهه شصت چند مغازه‌ی خواروبارفروشی در محله باز شدند که فروش خود را از طریق کوپن^۱ انجام می‌دادند؛ بنابراین همه خریدهای ما از طرق این مغازه‌ها انجام می‌گرفت» (باقر، ۵۰ ساله).

در دهه شصت شبکه فاضلاب محله به دست اهالی تعبیه می‌شد و سیستم دفع آب‌های سطحی در محله وجود نداشت. جمع‌آوری زباله در محله به صورت شخصی توسط چند نفر از طریق حیوانات بارکش انجام می‌گرفت و ماهیانه مبالغ اندکی را از اهالی محله دریافت می‌کردند.

دهه ۷۰، آسفالت معابر و گسترش فضاهای آموزشی: تا اوایل دهه هفتاد کوچه‌ها و معابر و خیابان‌های اصلی محله خاکی بودند. آسفالت معابر تا محله جمخانه (حدفاصل رشیدی و جعفرآباد) بود. به همین دلیل انتهای خیابان جمخانه به «آخر آسفالت» معروف بود. با گذشت چندین دهه و آسفالت شدن تمام معابر، این نقطه از شهر همچنان «آخر آسفالت» نام دارد.

ابتدای دهه هفتاد، در محله رشیدی چند تاکسی و مینی‌بوس به صورت ردیفی توقف می‌کردند و مسافران را از محله رشیدی به آخر خیابان جمخانه و برعکس می‌رساندند و رانندگان آخر مسیر را با جمله آخر آسفالت- آخر آسفالت اعلام می‌کردند.

«در آن زمان برای این مسیر نفری دو تومان به رانندگان مینی‌بوس پرداخت می‌کردیم و چون خیابان‌های جعفرآباد خاکی بودند و ما تنها می‌توانستیم با ماشین تا آخر آسفالت برویم بنابراین ما مجبور بودیم بقیه مسیر را تا جعفرآباد پیاده برویم» (هوشنگ، ۵۰ ساله).

سال ۱۳۷۴ مردم محله به صورت خودیاری حدود ۲۵۰ متر از خیابان‌های اصلی را

۱. در دهه ۶۰ دولت ایران درگیر جنگ با عراق بود؛ بنابراین برای نظارت بر ارزاق به خانواده‌ها کوپن می‌دادند تا عدالت توزیعی را رعایت کنند. سهمیه اقلام غذایی در دفترچه کوپن بر اساس تعداد افراد خانوار بود.

آسفالت کردند اما همچنان کوچه‌ها و معابر خاکی بودند تا این که شهرداری در اواخر دهه هفتاد کل کوچه‌ها و معابر و خیابان‌های محله را آسفالت کرد. یکی دیگر از نیازهای محله توسعه فضاهای آموزشی بود. در فاصله سال‌های ۱۳۷۲-۱۳۷۱ چندین مدرسه در محله تأسیس شد که عبارتند از: دو دبستان دخترانه، دو دبستان پسرانه، راهنمایی دخترانه و راهنمایی پسرانه.

خاتم که در اواخر دهه ۷۰ می‌نویسد: «شبکه فاضلاب محله عمدتاً به دست اهالی تعبیه شده و جز در بخش‌هایی که به شبکه فاضلاب شهر متصل می‌شود، غیر فنی و فرسوده است. اهالی به طور مداوم با گرفتگی و پوسیدگی لوله‌ها و جاری شدن فاضلاب در کوچه و خیابان مواجه‌اند و در نتیجه استمرار این وضع غالباً خود اهالی غالباً اقدام‌های اولیه را برای تعمیر و تعویض لوله‌ها انجام می‌دهند» (خاتم، ۱۳۸۱: ۳۶). اوایل دهه ۸۰ سیستم فاضلاب جعفرآباد به صورت کلی به شبکه فاضلاب شهری متصل شد و شهرداری مسئولیت جمع‌آوری زباله محله را بر عهده گرفت. افزون بر این، مغازه‌های فروش مرغ زنده و ضایعات در محله پا گرفتند.

دهه ۸۰ و ۹۰: رشد محله و فضای بهداشتی و تفریحی: در دو دهه اخیر ساخت‌وسازهای غیررسمی با روش‌های گوناگون ادامه پیدا کرد. افرادی که از نظر اقتصادی وضع بهتری داشتند از طریق سبک‌سازی خانه‌هایشان را دو طبقه ساختند. برخی دیگر از اهالی دست به تخریب خانه‌های قدیمی و کلنگی خود به منظور بازسازی و نوسازی آن زدند. مالکان برای تخریب خانه‌هایشان از طرف مأموران شهرداری اخطار دریافت کردند. با وجود این که ساخت طبقه اضافی نیازمند به دریافت مجوز از طرف شهرداری است اما اکثر آنان این کار را بدون اجازه شهرداری انجام دادند چرا که به دلیل مشکلات مالکیت و نداشتن سند، شهرداری در این گونه موارد دخالت و نظارت آن‌چنانی نداشت.

اواسط دهه هشتاد، شرکت مخابرات تجهیز منازل محله به خطوط تلفن را آغاز کرد؛ همچنین گازکشی منازل نیز در سال ۱۳۸۴ در محله انجام شد؛ خطوط اتوبوس‌رانی نیز در

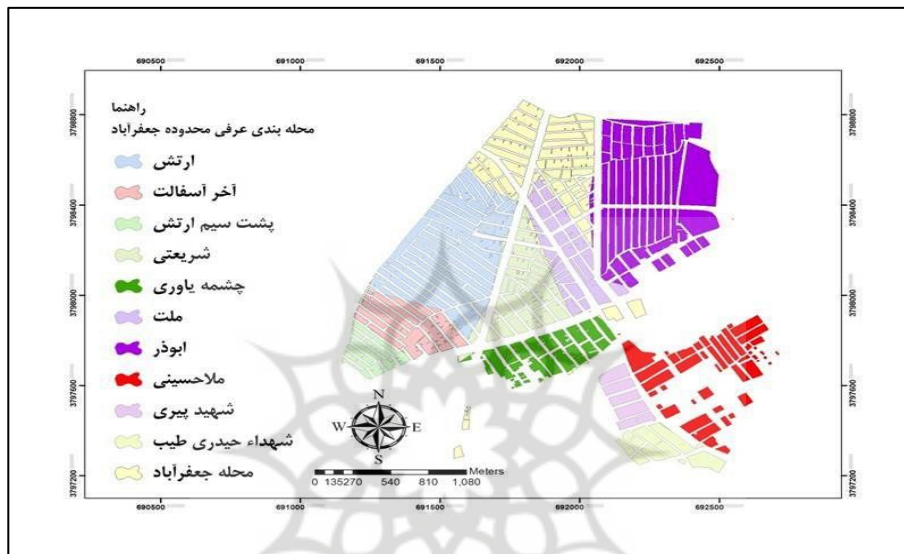
این دهه شروع به کار کردند و دسترسی به مرکز شهر برای ساکنین بسیار راحت باشد؛ یک پایگاه سلامت، دو مطب پزشکی و یک داروخانه فضاهاى بهداشتی محله هستند. دیگر امکانات محله عبارت‌اند از: سالن ورزشی فوتسال، یک دفتر پیشخوان، یک بانک، دو پارک کم امکانات و کلانتری ۱۷ بعثت و مسجد «امام جعفر صادق».

چشم‌انداز نامناسب محله به همراه زیرساخت ناکافی سبب ناهماهنگی بصری و قیمت پایین مسکن محله با بافت‌های هم‌جوار شده است. «جعفرآباد فاصله کمی با مرکز شهر دارد اما به دلیل شیب زیاد زمین و فقدان زیرساخت‌های لازم به قیمتی پایین‌تر از محله‌های هم‌جوار خود فروخته می‌شود» (خاتم، ۱۳۹۱: ۱۲۶). کوچه‌های جعفرآباد مستقیماً از خیابان‌های اصلی منشعب می‌شوند و عموماً کم‌عرض، طولانی، دارای شیب تند و آسفالت نامناسب هستند. به لحاظ مساحت و ابعاد کم واحدهای مسکونی، فاصله کوچه‌های موازی نیز بسیار اندک است (مشاور تدبیر شهر، ۱۳۸۲). پیاده‌روها عمدتاً ناهموار، کم‌عرض، کنده‌کاری شده و بدون فضای سبز هستند. با حرکت از چهارراه رشیدی به سمت جعفرآباد وارد جهان اجتماعی متفاوتی می‌شویم. بیشتر ساکنان آن در حال تلاش برای کسب درآمد هستند. انبوهی از نیشان‌ها و وانت‌هایی مشاهده می‌شود که در مقابل مغازه‌ها به ترتیب ایستاده‌اند و افرادی مشغول تخلیه گونی‌های پلاستیک، آهن و نان خشک هستند. صبح‌ها بچه‌ها و بزرگ‌سالانی را می‌بینیم که با چرخ‌دستی یا فرغون از کوچه‌های مختلف به سمت خیابان‌ها و مغازه‌ها سرازیر می‌شوند، منظره‌ای از تکاپوی بی‌وقفه برای تأمین معاش نزد این مردمان دیده می‌شود. است (برای آگاهی بیشتر نک: ایزدی جیران ۱۴۰۰).

در جعفرآباد چهار خیابان وجود دارد که در هر کدام از آن‌ها یک شیوه درآمد خاص وجود و محله را با نام آن کسب‌وکار می‌شناسند (نقشه ۳). ۱. خیابان ملت در اختیار مرغ فروشان است و اهالی به همراه ساکنان کرمانشاهی که به جعفرآباد رفت‌وآمد دارند این خیابان را به نام خیابان «مرغ فروشان» می‌شناسند. کنشگران این بازار غالباً از ایل جلالوند هستند. ۲. خیابان ارتش جعفرآباد محل فروش دام زنده است و به خیابان «بزگیرها» معروف است. ۳. کنشگران اقتصادی خیابان ابوذر جعفرآباد به خرید و فروش ضایعات مشغول هستند

و غالباً از ایل عثمانوند هستند. ۴. خیابان‌های شریعتی و کاشانی که در مجاورت محله‌ی ملاحسینی قرار دارند کارکردهای اقتصادی گوناگونی مانند ضایعات، دامداری، مسافرکشی، مغازه‌داری و ... دارند که از ایل‌های گوناگونی هستند.

نقشه ۲: محله‌بندی عرفی در جعفرآباد



بخش دوم: بر ساخت معانی گوناگون محله جعفرآباد در سپهر اجتماعی شهر مواجهه مهاجران و لات‌ها: سابقه تاریخی لات‌ها به دوره پهلوی اول برمی‌گردد. آنان گروهی شهری بودند که از دل پهلوانان انشعاب پیدا کردند. کت‌وشلوار مشکی، کلاه‌مخملی و سیل‌های تابدار نشانه ظاهری آنان بود و پاتوق‌شان در محله‌هایی چون سرچشمه، رشیدی، گاراژ، پشت بدنه، کل حواس، کوچه لک‌ها و درطویله بود. آنان قلدران بلامنازع شهر بودند.

«ما دهه ۵۰ در محله رشیدی زندگی می‌کردیم و بیشتر مردم محله از این افراد می‌ترسیدند چراکه آنان شرور بودند و دارودسته داشتند. کسی نمی‌توانست با آنان طرف حساب شود و سالیان سال بود که جولان می‌دادند» (کریم ۶۰، ساله).

مردم به دلیل ترس به آنان احترام می‌گذاشتند؛ بنابراین نام و آوازه‌ای در سطح شهر

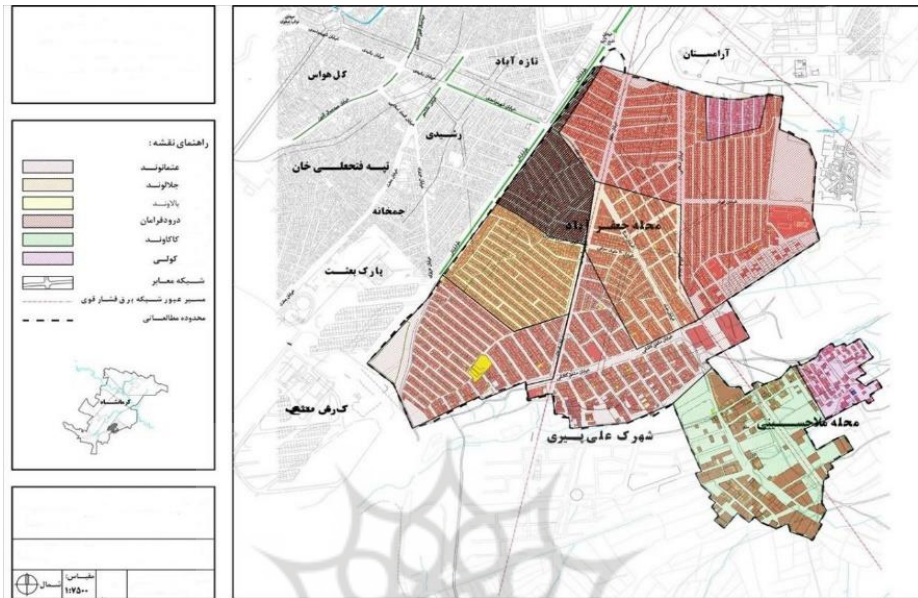
برای خود به دست آوردند. لات‌ها گاهی کارهای مثبتی نیز انجام می‌دادند ولی در مجموع عاملان تهدید در زندگی روزمره بودند. محله جعفرآباد در مجاورت پاتوق لات‌ها ساخته شد و مواجهه با آنان به امری اجتناب‌ناپذیر تبدیل شد.

مهاجران جعفرآباد غالباً خاستگاه ایلی داشتند و همچنان نظام اجتماعی‌شان مبتنی بر سلسله‌مراتب ایل/طایفه/تیره/هوز/مال بود که حمایت‌گری و ویژگی بارز آنان محسوب می‌شد (قلی‌پور، ۱۴۰۰). نیروی عصیبت و حمایت‌گری، مهاجران را به افرادی قدرتمند تبدیل کرده بود و در مواجهه با لات‌ها پیروز میدان شدند. یک فرد عادی از اهالی جعفرآبادی به دلیل حمایت و پشتیبانی طایفه می‌توانست در برابر لات‌ها پیروز میدان باشد.

ابهت و جایگاه لات‌ها در رویارویی با جوانان جعفرآباد به‌مرور دچار زوال شد. کسانی که تا دیروز برای خودشان هاله‌ای از ترس و وحشت را برای مردم در زندگی روزمره ایجاد کرده بودند به یک‌باره با رقیبان شکست‌ناپذیری روبرو شدند. مواجهه جعفرآبادی‌ها و لات‌ها به‌صورت حکایت‌های گوناگونی در محافل شهری و روستایی در زندگی روزمره نقل می‌شد. «به یاد دارم که در برخی روستاهای مناطق شرق استان درباره شکست یکی از لات‌های پرآوازه حرف می‌زدند» (یکی از نویسندگان). این حکایت‌های روزمره سرانجام اسطوره-فضایی پیرامون این موضوع را بنا نهاد که هسته مرکزی آن «بی‌باکی» بود. از این طریق جعفرآباد وارد مناسبات زبانی و حکایت‌های روزمره شد.

قبیله‌گرایی و انسجام درون‌گروهی: بافت جمعیتی جعفرآباد به لحاظ زبانی همگن است و به لکی تکلم می‌کنند. با وجود شباهت زبانی، تمایزات ایلی در میان آنان دیده می‌شود. ایل‌های عثمانوند، جلالوند، کاکاوند، بالاوند، درود فرامان (احمدوند شیرازی) به همراه تعدادی کولی از ساکنان اصلی جعفرآباد هستند. با توجه به نقشه ۳ تمایزات ایلی در محله آرایش فضای پیدا کرده است و هر بخشی از محله محل سکونت یک ایل خاص است.

نقشه ۳: تمایزات ایلی در جعفرآباد



طراح نقشه: سجاد زنگی‌شاهی

هر ایل دارای انسجام و سرمایه اجتماعی درون‌گروهی بالایی است. شبکه‌های خویشاوندی در سرتاسر محله گسترانیده شده‌اند و ارتباطات اجتماعی را تسهیل می‌کنند. این شبکه‌ها در برگزاری مناسک سوگ و منازعات دسته‌جمعی نقش‌آفری دارند. معمولاً مشارکت اجتماعی را افزایش می‌دهند. پس از انقلاب مشارکت سیاسی بالای این محله سبب انتخاب ادواری یکی از لک‌زبانان در مجلس شورای اسلامی شد. رهبران محلی جعفرآباد برخاسته از نظام ایلی هستند و از شیخوخیت و مقبولیت بالایی برخوردارند. برخی بزرگان این ایل‌ها خارج از محله و در خاستگاه اصلی ایل زندگی می‌کنند اما همچنان مرجع حل و فصل منازعات شهر هم هستند. این رهبران علاوه بر حل منازعه در انتخابات‌های سیاسی گوناگون هم نقش ایفا می‌کنند. سرمایه اجتماعی درون‌گروهی به همراه مشارکت بالا ایماژه «قبیله‌گرایی» و «انسجام درون‌گروهی» را برجسته ساخت. این ایماژه از طریق ایماژه بعدی که نزاع دسته‌جمعی است با دال‌خسونت مفصل‌بندی شد و اسطوره-فضای خسونت را به لحاظ معنایی گسترش داد.

نزاع‌های دسته‌جمعی: حضور طوایف گوناگون در محله با خاستگاه ایلی همواره سبب‌ساز منازعات دسته‌جمعی گوناگونی در دهه‌های پیشین بوده است. این منازعات هم در درون محله و هم در بیرون آن رخ می‌داد.

«بیشتر فامیل و طایفه ما در این محله حضور دارند و در مراسم شادی و عزا به همدیگر کمک می‌کنیم پیش‌تر در منازعات شرکت می‌کردیم که خوشبختانه کمتر شده است» (علی، ۴۷ ساله).

چندین سال پیش جعفرآبادی‌ها با یک گروه در داخل شهر درگیر شدند و آن گروه شبانه به خانه‌ی آن شخص در محله جعفرآباد حمله کردند و باعث آزار و اذیت آنان شدند و یکی از رهبران محلی را مجروح کردند به نحوی که مدتی در بیمارستان بستری بود. طایفه فرد مجروح شده مدت‌های زیادی دنبال خاطیان بودند و از دوربین مداربسته و شبکه‌های مجازی نیز کمک گرفتند تا اینکه محل اختفای پانزده نفر از آنان را پیدا کردند و توانستند انتقام بگیرند.

در دهه هفتاد و هشتاد نزاع‌های دسته‌جمعی در جعفرآباد بسیار زیاد بود تا اینکه رئیس کلانتری جعفرآباد یک سری قوانین سخت‌گیرانه را در محله ایجاد کرد و به‌مرور از شدت منازعات کاسته شد» (مأمور بازنشسته نیروی انتظامی شماره دو).

نزاع‌های دسته‌جمعی به‌مرور ایماژه خشونت را برجسته ساخت و به دال مرکزی این فضا سازی تبدیل کرد. طرفین منازعه به‌ویژه منازعات کلان از قواعد سنتی یا همان حکمیت ریش‌سفیدان تبعیت می‌کنند و قانون مرجع جدی برای حل و فصل چنین درگیری‌هایی نیست. یکی از کارکنان پاسگاه انتظامی جعفرآباد می‌گوید «بیشتر درگیری‌ها بین دو طایفه x و y است. یک‌بار طایفه اول با ما هم درگیر شدند به طوری که آنان دو طرف کوچه را گرفته بودند و تیراندازی می‌کردند».

نیروی انتظامی با طرح مقوله خشونت در محله که بخشی از آن پای در واقعیت داشت و بخشی هم عقاید غالبی بود به ایماژه خشونت دامن زد. ساکنان شهر و مناطق اطراف نیز کلیشه‌های زیادی پیرامون خشونت در محله برساختند. برای مثال از وجود اسلحه‌های

گوناگون در محله حرف می‌زدند یا اینکه محله را با «لیانگ‌شان‌پو» در سریال «جنگجویان کوهستان» ساخت کشور چین مقایسه می‌کردند که در اواخر دهه ۶۰ از تلویزیون ملی پخش می‌شد.

تأسیسات ضایعاتی: جعفرآباد دارای اقتصاد پویا و متکی به خود است. تأسیسات ضایعات در محله خودانگیخته و بدون نظارت نهادهای رسمی در حال فعالیت است. این کسب و کارها ضایعات سطح شهر مانند نان خشک، پلاستیک و آهن آلات را جمع‌آوری و در خیابان ابوذر جعفرآباد تفکیک و به مشتریان خود در اقصی نقاط کشور می‌فرستند. خرید و فروش ضایعات در میان مردم محله به رسمیت شناخته شده است و قبحتی ندارد. افرادی که در این کسب و کار فعال هستند لحاظ مالی در شرایط مناسبی قرار دارند.

مغازه‌های ضایعاتی سبب آلودگی‌های بصری و زیست‌محیطی شده‌اند، آن‌ها فضای نازیبا و مقولات خطرآفرین مانند بوی نامطبوع و جانوران موذی را به همراه دارند. افزون بر این، رفت و آمد عابران با مشکل روبرو شده است.

«حدود ده سال پیش نیروهای شهرداری به محله جعفرآباد آمدند و به این شیوه کسب درآمد اعتراض کردند و ما گفتیم که مکانی را در خارج از محدوده‌ی شهر به ما بدهید تا از این محله خارج شویم اما هنوز که هنوز است هیچ اقدام عملی برای انجام این کار صورت نگرفته است» (جلال، ۳۴ ساله).

تصویر ۲. نمایی از مغازه‌های ضایعات در جعفرآباد



عکس، نگارندگان، زمستان ۱۴۰۲

وقتی وارد محله و مخصوصاً خیابان ابوذر می‌شویم هر طرف ماشین‌هایی را می‌بینی که چرخ‌هایش زیر بار سنگینی ضایعات مقاومت می‌کنند.

«ما مغازه عمده ضایعات داریم و ضایعات آهن، کارت‌ن، کتاب، پلاستیک و نان خشک را تفکیک می‌کنیم؛ سپس به کارخانه‌های گوناگون در اقصی نقاط ایران می‌فرستیم. به‌عنوان مثال، نان خشک آگه زیاد باشه به مشهد می‌فرستیم، مس و برنجه و پلاستیک را به تهران، کتاب و کارت‌ن و سپر را به کارخانه‌های موجود در ملاحسینی ارسال می‌کنیم» (اصغر، ۳۸ ساله).

در کارگاه وسایلی برای آسیاب کردن یا پرس ضایعات وجود دارد که معمولاً چند کارگر به جداسازی، پرس و یا بار زدن ضایعات مشغول هستند.

«ما ضایعات فروشی بزرگی داریم و به همراه پدر و برادرم چند سالی است که این شغل را شروع کرده‌ایم و از وقتی که به این شغل روی آورده‌ایم توانسته‌ایم چند ماشین و

خانه در این محله خریداری کنیم. اگر کارت بگیرد زندگی ات از این رو به آن رو می شود چراکه این شغل به طلای کثیف معروف است» (مجتبی، ۳۵ ساله).

شکل گیری تأسیسات ضایعات در دهه ۸۰ هر چند پویایی اقتصادی به همراه داشت اما معانی «کثیف»، «آلودگی»، «آشفتگی منظر» و «سخت کوشی» را به معانی قبلی اضافه کرد. این ایماژها به وسیله افرادی که از این محله دیدن کردند برساخت شد و چنان تداوم یافتند که به کلیشه‌های قالبی و ایماژهای پایدار در فضا سازی محله جعفرآباد تبدیل شدند.

مرغ فروشان: فعالیت اقتصادی دیگری که در محله به چشم می خورد فروش مرغ زنده است که بازار خوب و رضایت بخشی دارد. خیابان ملت جعفرآباد محل فعالیت اقتصادی مرغ فروشان است. سمت راست خیابان ۲۵ و سمت چپ ۱۵ مغازه فروش مرغ زنده وجود دارد.

«مرغ زنده را از مرغداری‌های همدان، تویسرکان، سنندج، جوانرود و ثلاث‌باباجانی با کامیون‌های حمل مرغ شبانه می آوریم. روزی سه تن مرغ خریداری می کنیم و آن را همان روز به صورت عمده به فروش می رسانم» (علی، ۴۰ ساله).

صاحبان این مغازه‌ها از طایفه جلالوند هستند و در همین محله زندگی می کنند و کاملاً با این شغل آشنایی دارند و آن را به فرزندان خود نیز منتقل می کنند. با وجود پویایی اقتصادی محله، رها شدن ضایعات مرغ در مخازن زباله‌های شهری، جوی آب و معابر، سبب تجمع جانوران موزی شده است. امعا و احشاء پرندگان سبب ترس کودکان و نگرانی عابران می شود. بوی ناشی از ضایعات گندیده مرغ در این خیابان آزاردهنده است و علاوه بر آن چهره بسیار نازیبایی در محله ایجاد کرده است و سلامت افراد ساکن در محله را به خطر می اندازد؛ اما ساکنان این محله تا کنون شکایت یا اعتراضی نداشتند.

«همسایه‌ها هیچ اعتراضی ندارند. هر روز صبح زود بیدار می شوم و پیاده‌رو را جارو می کنیم. کسی را آزار نمی دهیم تا معترض شوند. حتی به آنان مرغ را به صورت نسیه می دهیم و بیستم هرماه موقع واریز یارانه آن را پرداخت می کنند.» (رضا، ۵۰ ساله).

در دهه‌ی هشتاد نیروهای شهرداری تلاش کردند که این کسب و کار را تعطیل کنند

اما سرانجام مردم پیروز شدند.

«نیروهای شهرداری تمام مرغ‌های زنده را داخل گونی و نایلون می‌ریختند و گاز و سم داخل این گونی‌ها می‌پاشیدند و باعث مسمومیت شدید مرغ‌های زنده و در نهایت تلف شدن آنان می‌شدند» (بهمن، ۵۵ ساله).

مغازه‌داران کماکان این شغل را ادامه دادند و وضعیت خود را تثبیت کردند. بوی نامطبوع و گاهی مسموم‌کننده ضایعات مرغ ایماژه «بوی‌بد» را به شبکه معنایی پیشین افزود. همه خریداران مرغ که از نقاط گوناگون هستند در برساخت این معنا نقش داشتند. افزون بر این، محله جعفرآباد یادآور «ارزانی» و «در دسترس» بودن هم هست؛ بنابراین، فرآیند فضاسازی در این محله به‌مرورزمان معانی بی‌باکی، خشونت، فرهنگ روستایی، کثیف، بدبو، ارزان و در دسترس را با محوریت دال مرکزی خشونت مفصل‌بندی کرده است.

بازار دام: در این محله و در سطح شهر بیشتر ساکنان کرمانشاه و اطراف می‌دانند که برای تهیه دام زنده باید به خیابان ارتش جعفرآباد بروند. مغازه‌های زیادی در این خیابان وجود دارد که مالکان آن جلوی درب مغازه را نرده‌کشی کرده و در آن دام زنده نگه می‌دارند تا آن را به خریداران عرضه کنند. شرط لازم برای بقای این شغل، داشتن زیرزمین برای نگهداری دام است. فروشندگان برای مناسبت‌های خاص مانند عید نوروز، عید قربان، ماه‌های محرم و رمضان، پیاده‌روها و خیابان اصلی را اشغال می‌کنند (نک: تصویر شماره ۳).

تصویر ۳. نمایی از خیابان ارتش جعفرآباد در روز عید قربان



عکس، غلامحسین محبی، زمستان ۱۳۹۶

اقدام ذبح غیربهداشتی دام در خیابان‌ها و معابر سبب ایجاد تأثیرات نامطلوب در کودکان و برخی از افراد در هنگام تماشای صحنه‌ی سربریدن دام خواهد شد و علاوه بر آن رها شدن و جاری شدن خونابه، پوست و... درب مغازه‌ها و خیابان‌ها یکی از معضلات زیست‌محیطی این محله محسوب می‌شود.

«ذبح گوسفند را خودم یا پسرم انجام می‌دهیم. گوشت را کاملاً تمیز و خرد می‌کنیم و همسرم سیرابی و کله‌پاچه را در خانه تمییز کرده و در اختیار مشتری قرار می‌دهیم» (صادق، ۵۰ ساله).

فروشنده‌گان دام زنده با تابلوی «گوسفند زنده موجود است» سبب خدشه‌دار شدن چهره شهر شدند. افزون بر این، فضولات دامی بوی نامطبوعی را منتشر می‌کند و احتمال بروز بیماری‌های مشترک میان انسان و دام وجود دارد. فضای سبز پارک ایزدی در خیابان ارتش، محل نگهداری گوسفندان شده است.

«معمولاً اوایل صبح و غروب صدای گله گوسفندان در محله شنیده می‌شود و بوی

تعفن فضولات دام آزار دهنده است و هنوز پیگیری‌های ما به نتیجه نرسیده است» (فرهاد، ۳۰ ساله).

فروش دام در محله که همراه فضولات دامی و بوی بد است ایماژه «کثیف» و «بدبو» را تشدید می‌کند. فعالیت‌های اقتصادی یادشده بیانگر «سخت‌کوشی» مردم و «پویایی اقتصادی» محله است. با این که این فعالیت‌ها تاکنون معانی منفی را برساخت کرده‌اند اما از دیدگاه کنشگران اقتصادی درون محله و برخی آگاهان جعفرآباد محله‌ای «خودبنیاد» است که کار و تلاش برای زندگی در آن ارزش‌والایی دارد. این ایماژه بر تارک این مکان نقش بسته است و برای آگاهان و اهالی هم‌ارز «خشونت» است.

نمودار ۱. عناصر معنایی فضا‌سازی در محله جعفرآباد



نمودار شماره ۱ مدل فضا‌سازی اجتماعی در محله جعفرآباد را نشان می‌دهد که دال

مرکزی آن «خشونت و بی‌باکی» است. با اینکه خصیصه بارز این محله در چهار دهه اخیر فعالیت اقتصادی است اما همچنان در فضای ذهنی شهر ایماژه «خشونت» دست بالا را دارد. دلیل این امر به ماندگاری عقاید قالبی مربوط است. فعالیت‌های اقتصادی نیازمند آرامش و دوری از خشونت است. واقعیت این است که در دهه اخیر از میزان خشونت در محله کاسته و بر فعالیت اقتصادی افزوده شده است. به همین دلیل در آینده «سخت‌کوشی و پویایی اقتصادی» به دال مرکزی شبکه معناسازی در محله تبدیل می‌شود و ایماژه «خشونت» به مرور زمان به عنصری فرعی در نظام معنایی محله تبدیل خواهد شد.

نتیجه‌گیری

روند شکل‌گیری مکان (محله) در این مقاله با چهار مکان چارچوب نظری تفاوت دارد. مکان‌های توصیف‌شده توسط شیلدز هر کدام بیش از چهار سده تاریخ دارند و آثار متنی گوناگونی مانند کتاب، کارت پستال، نمایی از فیلم سینمایی، عکس و نظایر آن بازنمایی شده‌اند اما جعفرآباد این گونه نیست و تاریخ آن نیم قرن بیشتر قدمت ندارد و بازنمایی آن صرفاً در زندگی روزمره و توسط شهروندان صورت گرفته است. این محله از طریق تبلیغات، رسانه‌های صوتی تصویری، تورهای مسافرتی بازنمایی نشده است. سیاحان و فاتحان درباره آن حرف نزده‌اند تنها رسانه بازنمایی جعفرآباد زبان و گفتار روزمره پیرامون حوادث گوناگون بود. ظهور محلات حاشیه‌نشین در کرمانشاه در پی اصلاحات ارضی، مهاجرت روستائیان به شهر و رشد فزاینده جمعیت شهر بود. قیمت بالای زمین در شهر سبب شد که مهاجران روستایی توانایی زندگی در مرکز شهر را نداشته باشند بنابراین از محیط شهری پس زده شدند و به حاشیه‌ها رفتند. این حاشیه برخلاف حاشیه‌های مدنظر شیلدز جذابیت طبیعت و موقعیت تفریحی و استراتژیکی نداشت و زائده روندهای توسعه ناموزون بود. محله‌ای نابرخوردار با آشفتگی بصری که زمینه‌های شکل‌گیری ایماژه‌های منفی در آن نضج گرفت.

در دهه ۶۰ برخی زیرساخت‌های شهری ساخته شد و در دهه‌ی هفتاد نیز، آسفالت معابر، گسترش فضاهای آموزشی و متصل شدن سیستم فاضلاب جعفرآباد به شبکه

فاضلاب شهری بود و جمع‌آوری زباله توسط شهرداری انجام گرفت. در دهه ۸۰ بازسازی برخی خانه‌ها شروع شد. برخی امکانات مانند فضای سبز، فضای بهداشتی و آموزشی در مقیاس اندکی افزایش یافت اما همچنان ایماژه‌های پابرجا ماندند.

این نابرخورداری به همراه فعالیت‌های مردم در زندگی روزمره سبب فضا سازی اجتماعی پیرامون محله شده است. مواجهه جعفرآبادی‌ها با لات‌ها در ابتدای سکونت به همراه خشونت و پیروزی اهالی بود. امری که در طول تاریخ صد و اندی ساله لات‌ها برای اولین بار اتفاق افتاد و همین مواجهه زمینه‌ساز شکل‌گیری اسطوره-فضای بی‌باکی پیرامون محله شد. بافت چند گروهی و قبیله‌ای جعفرآباد ایماژه «قبیله‌گرایی» یا «گروه‌گرایی» را به نیز با «نزاع دسته‌جمعی» مفصل‌بندی شد و اسطوره-فضای خشونت را تقویت کرد. نزاع‌های درون محله و بیرون از آن در طول دهه‌های ۶۰، ۷۰ و ۸۰ مفهوم «خشونت» را به دال مرکزی این نظام معنایی در محله تبدیل کرد.

اقتصاد شهری ضعیف کرمانشاه و مهارت اندک اهالی جعفرآباد روزه‌روز به فقیرتر شدن ساکنان منجر می‌شد تا اینکه پویایی‌های زیادی در درون محله به‌طور خودانگیخته نصیح گرفتند. اجتماعات انسانی همواره دارای پویایی‌ها و خلاقیت‌های خاص خود بوده و هستند. آنان با توجه به ظرفیت‌ها و امکانات موجود فرصت‌های جدیدی را برای خویش خلق می‌کنند. اهالی جعفرآباد نیز از این قاعده مستثنی نیست و در طول سه دهه گذشته اقتصاد پویا و بازار پرونقی (مرغ، دام زنده) را بنا نهادند. همچنین ضایعات سطح شهر و نان خشک را گردآوری و در تأسیساتی که در محله است تفکیک و بازیافت می‌کنند و برای عشایر، کارخانجات و سوله‌های پرس ضایعات می‌فرستند. این بازارها خودانگیخته هستند و مدیریت محلی نقشی در آن ندارد. با اینکه افراد زیادی در این بازارها مشغول فعالیت هستند اما چهره محله را کثیف و آزاردهنده کرده‌اند. این روندهای اقتصادی ایماژه‌هایی مانند محله‌ای خودبنیاد و پویا، خدمات ارزان و در دسترس، بهداشت نامناسب (برخی خیابان‌های کثیف و بدبو)، مردمان سخت‌کوش و آشفتگی منظر را به مجموعه معنایی قبلی افزود.

این معانی در طول پنج دهه گذشته فضا سازی خاصی پیرامون جعفرآباد به وجود آوردند. آن‌ها در مجموع دو اسطوره-فضای خشونت و خودبنیادی اقتصادی را بنا نهادند که در مراحل اولیه شکل‌گیری جعفرآباد خشونت وجه مسلط را داشت اما در سال‌های اخیر دال «پویایی اقتصادی» و «سخت‌کوشی» نیز از اهمیت وافر برخوردار شدند. دلیل این امر کاهش محسوس نزاع‌های دسته‌جمعی و فزونی فعالیت‌های اقتصادی است.

تشکر و سپاسگزاری




از تمامی اهالی جعفرآباد و آقای سجاد زنگیشه‌ای برای طراحی نقشه‌های شماره ۲ و ۳ قدردانی می‌شود.

تعارض منافع

تعارض منافی وجود ندارد

ORCID

Siavash Gholipour
Nader Amiri
Ziba Ahmadi

 <http://orcid.org/0000-0001-9559-6246>
 <http://orcid.org/0000-0001-8007-9318>
 <http://orcid.org/0009-0002-2785-3639>

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

منابع

- ایزدی جیران، اصغر. (۱۴۰۱)، «حاشیه‌نشینان و پناهگاه مواد: کاوشی قوم‌نگارانه در یک جامعه حاشیه‌ای در کرمانشاه»، در روایت‌هایی از زندگی حاشیه‌نشینان در ایران، به کوشش محمد یزدانی‌نسب و رضا تسلیمی‌تهرانی، تهران: پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات.
- آمایش سرزمین. (۱۳۹۶)، نظام شهری، سازمان برنامه و توسعه استان کرمانشاه.
- جمشیدی، علیرضا، داوود جمینی، معصومه جمشیدی و رامین چراغی. (۱۳۹۲)، «اسکان غیررسمی، اولویت‌بندی چالش‌های محله‌ی جعفرآباد شهر کرمانشاه»، پژوهش‌های جغرافیایی/انسانی، دوره ۴۵، شماره ۴: ۲۴۲-۲۲۱.
- خاتم، اعظم. (۱۳۸۱)، سهم مردم، سهم دولت در طرح توانمندسازی و بهسازی محله، تجربه جعفرآباد کرمانشاه، هفت‌شهر، دوره ۱، شماره ۹ و ۱۰: ۴۲-۳۳.
- خاتم، اعظم. (۱۳۹۱)، «فقر شهری و سیاست جناحی در ایران: نمونه جعفرآباد»، در گفتگو، شماره ۶۱: ۱۱۷-۱۳۲.
- دوسرتو، میشل. (۱۳۸۲)، «قدم زدن در شهر»، ترجمه شهریار وقفی‌پور، در مطالعات فرهنگی به ویراستاری سایمون دورینگ، تهران، انتشارات تلخون.
- قلی‌پور، سیاوش؛ علی‌کاظمی و مصطفی‌رضایی. (۱۳۹۳)، «بازگشت طردشدگان ظهور سکونتگاه‌های غیررسمی در کرمانشاه»، مطالعات جامعه‌شناختی، دوره ۲۱، شماره یک: ۶۳-۸۷.
- قلی‌پور سیاوش. (۱۴۰۰)، کوچروی در زاگرس میانی، مطالعات جامعه‌شناختی، دوره ۲۸، شماره ۲: ۱۵۷-۱۸۳.
- قلی‌پور، سیاوش. (۱۳۹۱)، تولید اجتماعی فضای شهری: مطالعه موردی، شهر کرمانشاه، رساله دکتری، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه تهران.
- قلی‌پور، سیاوش؛ رستمپور، روناک و ابراهیمی، عفت. (۱۴۰۰)، انسان‌شناسی اعیانی‌سازی در محله فیض‌آباد، پژوهش‌های انسان‌شناسی ایران، دوره ۱۱، شماره ۱: ۲۵۰-۲۲۹.
- گلنام، ناصر. (۱۳۶۱)، «مختصری درباره حاشیه‌نشینان کرمانشاه (باختران)»، تهران، چاپ شقایق.
- مارچسیون، جولیان. (۱۳۹۲)، مردم‌نگاری: طراحی، هدایت و ارائه‌ی تحقیق، ترجمه: سید قاسم حسنی، تهران، نشر جامعه‌شناسان.

مشاور تدبیر شهر. (۱۳۸۲)، گزارش امکان سنجی طرح توانمندسازی اسکان غیررسمی کرمانشاه، وزارت مسکن و شهرسازی.

نقدی، اسدالله، صادق زارع. (۱۳۹۱)، «حاشیه‌نشینی به مثابه آپاندیست شهری (مورد مطالعه: جعفرآباد - کرمانشاه)»، فصلنامه علمی - تخصصی برنامه‌ریزی منطقه‌ای، سال دوم، شماره ۵: ۸۱-۶۵.

References

- Bogden, R and Taylor, S. (1977), *Introduction to Qualitative Research Method*, New York: Wiley.
- Brewer, J (2005), *Ethnography*, Open Univwesity Press.
- Fetterman, D (2010), *Ethnography*, London: Sage.
- Hammersly, M. and Atkinson, P. (2007), *Ethnography: Principle in Practice*, London: Tavistok.
- Lefebvre, H (1991), *The Production of Space*, Oxford, Blackwell.
- Lefebvre, H (1996), *Writings on Cities*, Oxford, Blackwell.
- Shields, R (1988), *Images of Space and Place: Acomparitive study*, A thesis for degree of Doctor of Philosophy: University of Sussex.
- Shields, R (1989), 'Social Spatialisation and the Built Environment: The Case of the West Edmonton Mall'. *Environment and Planning D: Society and Space* 7 (2) (Summer),147-64.
- Shields, R. (1991), *Places on the Margine: Alternative geography of modernity*, London, Routledge.
- Shields, R. (1997), 'Spatial stress and resistance: social meaning of spatialisation' in Benko, G. and Strothmayer, U. (eds) (1997), *Space and Social Theory*, Oxford, Blackwell.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

استناد به این مقاله: قلی‌پور، سیاوش، امیری، نادر، احمدی، زیبا. (۱۴۰۳). برساخت معنا پیرامون محله حاشیه‌نشین

جعفرآباد در کرمانشاه، فصلنامه علوم اجتماعی، ۳۱(۱۰۶)، ۱۹۵-۲۳۰. DOI:

10.22054/qjss.2025.78460.2766



Social sciences is licensed under a Creative Commons Attribution-NonCommercial 4.0 International License...